

قواعد کلی

۱. حفظ چهره خط فارسی

از آنجا که خط در تأمین و حفظ پیوستگی فرهنگی نقش اساسی دارد، نباید شیوه‌ای برگزید که چهره خط فارسی به صورتی تغییر کند که مشابهت خود را با آنچه در ذخایر فرهنگی زبان فارسی به جا مانده است به کلی از دست بدهد و در نتیجه متون کهن برای نسل کنونی نامأنوس گردد و نسل‌های بعد در استفاده از متون خطی و چاپی قدیم دچار مشکل جدی شوند و به آموزش جداگانه محتاج باشند.

۲. حفظ استقلال خط

خط فارسی نباید تابع خطوط دیگر باشد و لزوماً و همواره از خط عربی تبعیت کند. البته در نقل آیات و عبارات قرآن کریم، رسم الخط قرآنی رعایت خواهد شد.

۳. تطابق مکتوب و ملفوظ

کوشش می‌شود که مکتوب، تا آنجا که خصوصیات خط فارسی راه دهد، با ملفوظ مطابقت داشته باشد.

۴. فراگیر بودن قاعده

کوشش می‌شود که قواعد املا به گونه‌ای تدوین شود که استثنا در آن راه نیابد، مگر آنکه استثنا خود قانونمند باشد و یا استثناها فهرست محدود تشکیل دهد.

۵. سهولت نوشتن و خواندن

قاعده باید به گونه‌ای تنظیم شود که پیروی از آن کار نوشتن و خواندن را آسان‌تر سازد، یعنی تا آنجا که ممکن است، رعایت قواعد وابسته به معنا و قرینه نباشد.

۶. سهولت آموزش قواعد

قواعد باید به صورتی تنظیم شود که آموختن و به کار بردن آنها تا حد امکان برای عامه باسوادان آسان باشد.

۷. فاصله‌گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست خوانی

فاصله‌گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب^۱، امری ضروری است که اگر رعایت نشود طبعاً سبب بدخوانی و ابهام معنایی می‌شود. در نوشته‌های فارسی دو نوع فاصله وجود دارد: یکی فاصله «برون‌کلمه» یعنی فاصله‌گذاری میان کلمه‌های یک جمله یا عبارت، مانند «یکی از صاحب‌دلان سر به چیب مراقبت فرو برده بود» (این فاصله در ماشین تحریر و رایانه «فاصله یک حرفی» خوانده می‌شود) و دیگری فاصله «درون‌کلمه» که معمولاً میان اجزای ترکیب و اغلب در حروف منفصل می‌گذارند: ورود، آزادمرد، خردورزی، پردرآمد (این فاصله در تداول نیم فاصله خوانده می‌شود). رعایت این نیم فاصله به ویژه در دست‌نوشته‌ها دشوار است و از این رو اختیاری است و می‌توان ابهام تلفظی را در ترکیب‌هایی مانند خردورزی با حرکت‌گذاری بر طرف کرد.

۱. مرکب یا ترکیب به معنای اعم کلمه گرفته شده است و شامل کلمه‌هایی مانند کتابخانه، داروخانه، گلاب، دانشجو، دانش‌پرور، خردورزی، توژم‌زا، غذاخوری، همدلی، ارجمند، بررسی، بازگویی، کتابچه، دفترچه می‌شود.

ویژگیهای خط فارسی

خط فارسی دارای ویژگیهایی است. این ویژگیها و مثالهای هر یک در زیر مشخص شده است:

- الف) برای بعضی از صداها بیش از یک علامت وجود دارد:^۱
- ت (در تار، چتر، دست، سوت)، ط (در طاهر، خطر، ضبط، شرط)؛
 - ز (در زن، بزم، تیز، باز)، ذ (در ذرت، غذا، کاغذ، نفوذ)، ض (در ضرب، حضرت، تبعیض، فرض)، ظ (در ظاهر، نظر، حفظ، حفاظ)؛
 - ث (در ثبت، مثل، عبث، حادث)، س (در سبد، پسر، نفس، خروس)، ص (در صبر، نصر، تفحص، حرص)؛
 - غ (در غالب، مغز، تیغ، باغ)، ق (در قالب، فقیر، حلق، برق)؛
 - همزه (در اسم، اسب، آرد، مآخذ، قرآن، رأس، یأس، رؤیا، لوم، رئیس، لثیم، متألّفی، جزء)، ع (در علم، رعد، وضع)؛
 - ح (در حاکم، سحر، شبح، روح)، ه (در هاشم، شهر، فقیه، دانشگاه)

۱. آنچه درباره تلفظ حروف در اینجا آمده مطابق با زبان معیار رایج در تهران است. در نواحی مختلف ایران میان تلفظ بعضی از حروف فرق می‌گذارند که در اینجا نیازی به ذکر آن نیست.

— (در اسم و نامه)

ـ (در اسب و نه)

ـ (در بُلند و رُوز)

ب) بعضی حروف نمایندهٔ بیش از یک صدا هستند:

و مثل دو (عدد)، چو

مور، روز، لیمو، دارو

وام، جواب، روان، ناو، لغو

جوشن، روشن، نو، رهرو

خواهر، خویش

ی مثل یار، پیدا، نای

میز، ریز، پری

موسی، حتی، علی رخم

ه مثل هوا، مهر، مشابه، دانشگاه

نامه، درّه

ج) «و»، اگر پس از «خ» قرار گیرد، گاهی خوانده نمی‌شود، چنان‌که در واژه‌های زیر:

خوان، خویش، خواهر

این «و» که آن را «واو معدوله» می‌گویند، در قدیم تلفظ خاصی داشته است که

امروزه دیگر متداول نیست.

د) مصوّت‌های ـ، ـ، ـ معمولاً در خط منعکس نمی‌شود و به همین سبب، بسیاری از کلمات با املای مشابه، تلفظ و معنای متفاوت دارند:

برد: بُرد، بُزد، بُرد، بُرد

در بیشتر موارد، از سیاق عبارت یا معنای جمله باید تلفظ مورد نظر را حدس زد:

برد (بُرد) این تفنگ ۱۰۰۰ متر است.

این کارد خوب نمی‌برد (بُرد).

در فصل ربیع ... که صولتِ برد (بُرد) آرمیده بود و او ان دولتِ وُرد رسیده (سعدی)

در بعضی موارد، به کارنگرفتن نشانه این مصوتها در خط باعث ابهام یا اشتباه می‌شود، به‌خصوص در مواردی مثل اَعلام و کلماتِ دخیلِ فرنگی و لغاتِ مهجور که تلفظ صحیح آنها برای عامه خوانندگان روشن نیست. در چنین مواردی صورت نوشتاری حتماً باید بسیار روشن و خوانا و با حرکت‌گذاری باشد:

سازتُر (sartre)، بکت (Beckett)، کینت (Kenneth)، سیر / سیر / سیر؛ دیر / دیر؛ عبید / عبید.

ه) در خط فارسی غالباً یک حرف به دو یا چند صورت نوشته می‌شود و این بستگی به جایگاه آن حرف در کلمه دارد:

ا / آ / اُ / اِ

ب / ب / ب / ب؛ پ / پ / پ؛ ت / ت / ت / ت

ج / ج / ج / ج؛ چ / چ / چ؛ ح / ح / ح / ح؛ خ / خ / خ / خ

س / س / س / س؛ ش / ش / ش / ش

ص / ص / ص / ص؛ ض / ض / ض / ض

ع / ع / ع / ع؛ غ / غ / غ / غ

ف / ف / ف / ف؛ ق / ق / ق / ق

ک / ک / ک / ک؛ گ / گ / گ / گ

ل / ل / ل / ل

م / م / م / م

ن / ن / ن / ن

ه / هـ / هـ / هـ / هـ

ی / یـ / یـ / یـ / ی

(و) حروف فارسی دو دسته است:

۱. منفصل (پیوندناپذیر) که به حرف بعد از خود نمی چسبد (ا، د، ذ، ر، ز، ژ، و).
۲. متصل (پیوندپذیر) که به حرف بعد از خود می چسبد.

(ز) علاوه بر حروف، در خط فارسی نشانه‌های دیگری به شرح زیر وجود دارد:

۱. حرکات یا مصوّت‌های کوتاه (َ ، ِ ، ُ)، مانند پَر، پُر، پُور
۲. مَد (ِ) روی الف، مانند آرد، مأخذ
۳. تشدید (ّ)، مانند عَدّه، پَلّه، بَقّالی، ازّه
۴. سکون (ْ)، مانند لَب تشنه
۵. یای کوتاه (ِ)، مانند نامه من
۶. تنوین (ً ، ٍ ، ٌ)، مانند ظاهراً، بعبارة آخری، مضاف‌الیه

(ح) در املاي کلمات و ترکیبات و عبارات عربی، که عیناً وارد زبان فارسی شده است، در بعضی موارد، قواعد املاي عربی رعایت می شود:

موسی، بالقوه، خَلَقُ السّاعه، حتّی، الی

(ط) دو حرف «و» و «ه» گاهی برای بیان حرکت به کار می رود.

و اگر برای بیان حرکت ماقبل خود به کار رود سه نوع است:

۱. مصوّت کوتاه، مانند دو، تو، چو
 ۲. مصوّت مرکب، مانند اوج، گوهر، روشن، نو (مثلاً در نوروز)
 ۳. مصوّت بلند، مانند مور، روز، موش، سبو، لیمو، تکاپو
- ه / هـ برای بیان حرکت (ِ) و ندرتاً (َ) به کار می رود:

شماره، نامه، خانه، نه

ی) در خط فارسی دودسته نشانه به کار می‌رود: ۱. نشانه‌های اصلی ۲. نشانه‌های ثانوی.

نشانه‌های اصلی مرکب از ۳۳ نشانه است که به آنها حروف الفبا می‌گوییم. بعضی از حروف به‌تنهایی نمایندهٔ بیش از یک صداست (مانند «و») و بعضی دیگر مجموعاً نمایندهٔ یک صدا (مانند ث، س، ص).

نشانه‌های ثانوی مرکب از ۱۰ نشانه است که در بالا یا پایین نشانه‌های اصلی قرار می‌گیرد و در هنگام ضرورت به کار می‌رود.

فهرست کامل نشانه‌های خط فارسی، همراه با مثال، در صفحات بعد در ضمن دو جدول آمده است. یادآوری می‌شود که این حروف برای خط چاپی است. الفبای خط تحریری و نستعلیق تنوع بیشتری دارد.

جدول ۱. نشانه‌های خط فارسی
نشانه‌های اصلی

| شماره | نام نشانه | اَوَّل | وسط | آخر | تنها |
|-------|-----------|-------------------------|--|-------------------------|--|
| | | که فقط به حرف بعد پیچید | که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیچید | که فقط به حرف قبل پیچید | که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیچید |
| ۱ | همزه | رئیس، رئالیسم | لثیم | مأخذ، مؤمن، متلائی | جزء، رأس |
| ۲ | الف* | - | - | نایست (=توقف مکن) | اسب، خانه‌ای |
| ۳ | ب | بار، دبیر | طبل | شب | آب |
| ۴ | پ | پدر، آپارتمان | سپاه | چپ | توپ |
| ۵ | ت | تار، رتبه | استان | دست | دوات |
| ۶ | ث | ثابت، وراثت | مثل | باعث | ارث |

* در فرهنگهای کنونی فارسی حرف اَوَّل الفبا را با نشانه مد «آ» یک حرف قرار داده‌اند و ابتدا هم آن را می‌آورند و در آموزش زبان فارسی هم از این شیوه استفاده می‌شود.
** نشانه نوشتاری «ة / ة» در کلمه‌هایی چون صلوة، دایرةالمعارف، بقیةالله، سریع‌الحركة عیناً از عربی وارد خط فارسی شده است.

| شماره | نام نشانه | اَوَّل | وسط | آخر | تنها |
|-------|--------------|----------------------------|---|----------------------------|---|
| | | که فقط به حرف بعد بچسبد | که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد بچسبد | که فقط به حرف قبل بچسبد | که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد بچسبد |
| ۷ | جیم | ج جان، موجب | ج مجلس | ج رنج | ج موج |
| ۸ | چ | چ چشم، کوچه | چ پامچال | چ گچ | چ پوچ |
| ۹ | ح | ح حال، رحم | ح محل | ح صبح | ح روح |
| ۱۰ | خ | خ خال، ناخن | خ سخن | خ نخ | خ شاخ |
| ۱۱ | دال | - | - | د صدف | د دست، آدم |
| ۱۲ | ذال | - | - | ذ بذل | ذ ذرت، نفوذ |
| ۱۳ | ر | - | - | ر سرد | ر رنگ، سوار |
| ۱۴ | ز | - | - | ز مزد | ز زنگ، نیاز |
| ۱۵ | ژ | - | - | ژ مژده | ژ زاله، دژ |
| ۱۶ | سین | س سیب، آسیب | س مست | س مِس | س داس |
| ۱۷ | شین | ش شور، آشوب | ش کشتی | ش آتش | ش هوش |
| ۱۸ | صاد | ص صابون، اصیل | ص عصر | ص شخص | ص خاص |

| شماره | نام نشانه | اَوَّل | وسط | آخر | تنها |
|-------|-----------|-------------------------|--|-------------------------|--|
| | | که فقط به حرف بعد پیچید | که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیچید | که فقط به حرف قبل پیچید | که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیچید |
| ۱۹ | ضاد | ضه | ضه | ضض | ضض فرض |
| ۲۰ | طا | ط | ط | طط | طط افراط |
| ۲۱ | ظا | ظ | ظ | ظظ | ظظ حفاظ |
| ۲۲ | عین | عه | عه | عه | عه شجاع |
| ۲۳ | غین | غه | غه | غه | غه باغ |
| ۲۴ | ف | فه | فه | فه | فه برف |
| ۲۵ | قاف | قه | قه | قه | قه ساق |
| ۲۶ | کاف | که | که | که | که باک |
| ۲۷ | گاف | گه | گه | گه | گه بزرگ |
| ۲۸ | لام | له | له | له | له دل |
| ۲۹ | میم | مه | مه | مه | مه نام |
| ۳۰ | نون | نه | نه | نه | نه زمان |

| شماره | نام نشانه | اَوّل | وسط | آخر | تنها |
|-------|-----------|--------------------------|---|------------------------------------|---|
| | | که فقط به حرف بعد پیچسبد | که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیچسبد | که فقط به حرف قبل پیچسبد | که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیچسبد |
| ۳۱ | واو | — | — | و گوهر، آهو، عفو، خوش، خواهر | و راهر، دارو، ناو |
| ۳۲ | ه | ه هنوز، راهنما | ه مهر | ه فقیه، نامه | ه کوه، روزه |
| ۳۳ | ی | ی یاد، دیوار | ی سیاه | ی ترشی، نّقی | ی بازی، خوی |

جدول ۲. نشانه‌های خط فارسی

نشانه‌های ثانوی

| شماره | نام نشانه | علامت | مثال |
|-------|-------------------------------|---------|-------------------------------|
| ۱ | مدّ روي الف | آ | آرد، مآخذ |
| ۲ | زیر (فتحه) | ـَ | گرما، دَرَجَات |
| ۳ | پیش (ضمّه) | ـِ | گندم، عُبُور |
| ۴ | زیر (کسره) | ـِـ | بَگاه، فَرِسْتادن |
| ۵ | سکون (جزم) | ـْ | دَل، گِرِه |
| ۶ | تشدید | ـِـِ | معلم، حَقّ مطلب |
| ۷ | یای کوتاه روي های غیرملفوظ | ـِـِـ | نامه من |
| ۸ | تنوین نصب | أ، آ، ء | ظاهراً، واقعاً، بناءً علی هذا |
| ۹ | تنوین رفع | ـِـِـ | مضائق الیه |
| ۱۰ | تنوین جرّ | ـِـِـِ | بعبارة أُخری |

تبصره. استعمال نشانه‌های شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ الزامی نیست و این علائم را عمدتاً برای رفع ابهام به کار می‌برند.